

یادداشت

رقص تغییر شرق

محمدرضا سکارکاری

ژاپن این روزها در تابستانی سوزان، هشتادمین سالگرد پایان جنگ و پرچمداری صلح را جشن می‌گیرد. اینجا و آنجا، همه جا گل داودی جلوه می‌فروشد. خطابه‌های غربی در مدح صلح و گفت‌وگو با خود و دیگری در جریان است. درعین حال، ندای «ژاپن کشور شماره یک»، اثر ازاوگل، استاد برجسته دانشگاه هاروارد، رنگ باخته است. به‌تدریج شعارهای تازه‌ای در حوزه عمومی پدیدار شده‌اند: «اول ژاپن!». ریشه‌های فرهنگی صلح پایدار ژاپنی را کجا می‌توان جست‌وجو کرد؟ گل داودی و شمشیر نتایج مطالعات مشهوری است که به سفارش ارتش آمریکا از ژوئن ۱۹۴۴ آغاز و نتایج آن پس از جنگ (گزارش بیست‌وپنجم اداره اطلاعات ارتش) منتشر شد. این مطالعه برای فراهم‌آوردن پاسخ به این پرسش بنیادی بود که «آیا پس از فتح ژاپن باید ساختار دولت مستقر و نقش امپراتور را به حساب آورد یا اینکه باید هر دو را به کلی دگرگون ساخت؟».

نتیجه پژوهش‌های میدانی خانم رث فولتون بندیکت با عنوان گزارش شماره ۲۵: الگوهای رفتاری ژاپنی‌ها (Report 25: Japanese Behavior Patterns) تدوین و به اداره اطلاعات ارتش ارائه شد. این گزارش، ضمن پاسخ به پرسش بنیادی طرح مطالعاتی، راهبردهای مواجهه ارتش آمریکا با ژاپن پس از جنگ را نیز در خود داشت. این گزارش پس از پایان جنگ و اندکی پیش از درگذشت خانم بندیکت با عنوان «گل داودی و شمشیر: الگوهای فرهنگ ژاپن» منتشر شد. این کتاب به زبان‌های گوناگون و از آن جمله فارسی و ژاپنی برگردانده شده است. این نوشته برگرفته از یافته‌های این اثر است. نتایج پژوهش‌های خانم بندیکت به پرسش مطرح‌شده روشن بود: ساختار سیاسی دولت و جایگاه سنتی امپراتور ژاپن را نگه دارید؛ آن‌گاه هر آنچه را که می‌خواهید، از طریق او و دولت مستقر در سرزمین فتح‌شده اجرا کنید. دقیقاً شبیه آنچه هربرت اسپنسر، فیلسوف مشهور انگلیسی، در سال ۱۸۸۰ و در پاسخ به درخواست «ایتو هیروفومی»، نخست‌وزیر وقت ژاپن، درباره مسئله‌های بنیادین نوسازی اجتماعی دوره میجی نوشته بود. او در نامه خود به ایتو به‌روشنی مرجعیت امپراتور و روابط سنتی ارشدیت در جامعه ژاپن را تأیید کرد و آن را تکیه‌گاهی برای گسترش رفاه عمومی برشمرد.

چرا سفارش مطالعه‌ای این‌چنینی در بحبوحه جنگ برای ارتش آمریکا معنی‌دار بود. مهم‌ترین دلیل آن شاید این بود که ژاپن برای آمریکایی‌ها، دشمنی ناشناخته بود. به تعبیر ویل دورانت «شناخت ژاپن درست به اندازه جنگیدن با آن دشوار بود». رفتار نظامیان ژاپنی با نمونه‌های غربی دشمنان آمریکا مثلاً در کشورهای اروپایی متفاوت بود. بنابراین جنگ با ژاپنی‌ها صرف‌نظر از امری نظامی به‌تدریج به‌مانه امری فرهنگی نیز تلقی می‌شد. جایی که «یک سامورایی در نهایت گرسنگی، چوب خلال دندانش را در دهان می‌چرخاند تا در بحبوحه حفظی و ناله‌های گرسنگی مردم اعتبار خود را پاره نکند». بندیکت به سفارش اداره اطلاعات جنگ (Information Office of War) آمریکا، مطالعه مردم‌شناسی خود را از ژوئن ۱۹۴۴ آغاز کرد. پژوهش او در اوج جنگی فرسایشی شروع شد. آمریکایی‌ها تصور می‌کردند این جنگ سه تا ۱۰ سال طول خواهد کشید و ژاپنی‌ها ادعا می‌کردند که اگر صد سال هم طول بکشد، ایستاده‌اند، ولی ورود سربازان آمریکایی به جزیره «سایپن» و خارج‌کردن آن از دست ژاپنی‌ها، در تابستان همان سال، آمریکایی‌ها را به پیروزی بر ژاپن امیدوارتر کرده بود. در میانه بیم و امیدهای جنگ، ارتش آمریکا عزم خود را جزم کرد تا اطلاعات فرهنگی و اجتماعی درباره دشمن ناشناس خود را به صورت همه‌جانبه و مستمر واکاوی کند تا پس از جنگ و احتمالاً فتح ژاپن به کار طراحی و اداره آن آید. ژاپن چند روز پس از مواجهه با بمب‌های اتمی در شهرهایش، در ۱۴ اگوست ۱۹۴۵ تسلیم شد و بی‌چون‌وچرا شکست را پذیرفت. «آمریکایی‌ها خود»، پذیرش شکست را برای ژاپنی‌ها آسان کرده بود. حالا قبول شکست برای ژاپنی‌ها معنایی فراتر از تحقیر داشت، زیرا آنها بر این باور بودند که پذیرش شکست، توانایی مدیریت پیامدهای آن را بهتر فراهم می‌کند. در نتیجه، آنان به‌سرعت بر بحران‌های بعدی فائق آمدند و مسیری تازه برای برخاستن از خاکستر جنگ گشوده شد.

پس از اعلام شکست، طرح آمریکا برای اداره ژاپن در ۲۹ اگوست ۱۹۴۵ رونمایی شد. جزئیات این طرح بی‌درک از شبکه‌های خبری به اطلاع همگان رسید. ژرنال مک آرتور مامور انجام این طرح شد. جزئیات این طرح به‌روشنی نشان می‌دهد که گزارش ۲۵ خانم بندیکت، در عمل، بنیاد راهبردهای مواجهه با ژاپن فتح‌شده را ترسیم کرده است. رهیافت‌های این گزارش به ژرنال مک آرتور، فرمانده نیروهای آمریکایی در محور ژاپن، توانایی اطلاعاتی، جامعه‌شناختی و فرهنگی لازم را می‌داد که چگونه امپراتور را برای امضای قرارداد صلح به روی عرشه ناو هواپیمابر آمریکایی هدایت کند. راهبردهای گزارش ۲۵ اجزای سناریوی اعلام پایان خصومت به ملت ژاپن و سپس قوای متفقین از زبان امپراتور ژاپن آغاز شده بود. گزارش ۲۵ خانم بندیکت و طرح ارتش آمریکا برای اداره ژاپن براساس حفظ ساختار دولت مستقر و نقش امپراتور، در رسانه‌های آمریکا با اقبال زیادی همراه نبود و به‌سختی به نقد کشیده شد. شاید به این دلیل که بسیاری از منتقدان آمریکایی آنسایری زیادی با بافتار اجتماعی ژاپن داشتند. به‌علاوه اینکه فرجام کار راهبردهای پیشنهادی برایشان مبهم بود. برخی نیز شیوه مواجهه آمریکا با آلمان و ایتالیا را بهتر می‌پسندیدند، اما در ژاپن به صورت شگفت‌انگیزی نتها به طرح و نقش آرتور پذیرفته شد، بلکه شکست در جنگ به‌روشنی اعلام شد. ژاپنی‌ها شکست را به‌مانه واقعیتی عریان به روشن‌ترین شکل ممکن پذیرفتند. تاریخ دوباره تکرار شده بود و ناظران را به یاد انتخابات آزاد سال ۱۹۲۰ می‌انداخت که ژاپنی‌ها در بحبوحه ترویج مردم‌سالاری، همه جا ریز لب می‌گفتند «کردن ما از مو باریک است»، زیرا آنها تنها این‌سال‌ها این عبارت را در برابر شمشیر برهنه سامورایی‌ها زمزمه کرده بودند. چه می‌توان کرد؟ وقتی نه هدفی مانده است و نه رؤیایی، ژاپن به فراست دریافت‌ه بود که در چنین بزنگاهی، ادامه کشمکش‌های رایج «میدان: شمشیر» و «دیپلماسی: گل داودی» اثربخش نیست. و پذیرش شکست نیز تاکتیکی نمی‌تواند باشد. آنها رقص تغییر شرقی را برای سرنوشت کشور اثربخش تر یافته بودند. پذیرش شکست دست‌کم جامعه را از بحران‌های بعدی رهایی می‌بخشید. بحران‌هایی مانند آنچه در فرانسه پس از انقلاب رخ داد، یا آنچه پس از تسلیم آلمان، سراسر کشور را درنوردید.

راهبر پذیرش شکست بی‌چون‌وچرای ژاپنی‌ها، ریشه در انگاره‌ای فرهنگی دارد که بزرگ‌ترین جنایت در «ریاکاری» می‌داند و هیچ‌وگون ریاکاری نیز بزرگ‌تر از ریشخند به حضور و تمسخر توان دیگری نیست. برای ژاپنی‌ها که همواره محافظه‌کاری بیشه می‌کنند، نزاع «میدان» و «دیپلماسی» حتی وقتی پیروزی پشت در خانه آنها بود نیز عذاب‌آور بوده است. نمونه تاریخی این اشغال منجوریه به دست ارتش ژاپن با وجود مخالفت وزارت خارجه است. راستی اگر ارتش آمریکا به گزارش بندیکت بی‌اعتنایی کرده بود و ساختار سیاسی ژاپن را مانند دیگران و از آن جمله نمونه‌های نزدیک به عصر ما، عراق و افغانستان شخم زده بود، ژاپن امروز کجای سیاست و اقتصاد آسیا و جهان ایستاده بود؟

از بسیاری پرسیده‌ام که پراسمادترین پاسخ، کوتاه و شگفت‌انگیز بوده است: «کره شمالی دیگری!». «اینجا و اکنون ایران» از جشن باشکوه صلح پایدار ژاپن و ریشه‌های فرهنگی آن چه می‌تواند بیاموزد؟ چگونه ایران می‌تواند از دل سنت موجود خود به جهان اه تازه‌ای بگشاید؟ برای «قرار در بی‌قراری ایران»، تشخیص مصلحت همیشه روزنه‌های امیدی برای تماشاً و بازاندیشی راه طی‌شده فراهم آورده است. آموختن از تجربه‌های تاریخی خود و دیگران راه‌گشاست. انگاره فکری- فرهنگی «هر چیز به جای خود» ژاپنی‌ها، اگر رفته چنین رخصت راهبردی برای گشودگی به جهان را هموار کرد. ایران امروز سخت به روشی مبتنی بر فرهنگ خود در میانه میدان نیازمند است تا رخصتی یابد و نغمه سراید که جهان چون زلف و خط و خال و ابروست/ که هر چیزی به جای خویش نیگوست

با فعال‌سازی مکانیسم ماشه، دوران «سازگاری» اقتصاد ایران با تحریم به پایان می‌رسد و فصل «آسیب‌پذیری سیستمیک» آغاز می‌شود. بازگشت تحریم‌های چندجانبه شورای امنیت، برخلاف فشارهای یکجانبه آمریکا، یک اجماع حقوقی جهانی را علیه ایران فعال می‌کند که می‌تواند نه‌تنها اقتصاد ایران را در هم بشکند، بلکه امواج شوک حاصل از آن، ثبات کل منطقه را از بغداد تا دوبی و موازنه قدرت را از مسکو تا پکن به چالش بکشد.

برای ارزیابی دقیق ابعاد بین‌المللی بحران پیش‌بینی‌شده، تحلیل عمیق چالش‌های داخلی یک پیش‌نیاز اساسی است. پیش‌بینی می‌شود که بازاعمال تحریم‌های مصوب شورای امنیت، اقتصاد ملی را که از پیش به سبب آسیب‌پذیری‌های ساختاری تحت فشار قرار داشته است، با یک تکانه ساختاری مواجه کند؛ وضعیتی که نمونه بارز آن در سال ۲۰۱۲ میلادی، با انقباض ۶٫۸درصدی تولید ناخالص داخلی به‌دنبال اعمال مجازات‌های مشابه، مشاهده شد. از پیامدهای اولیه و قابل انتظار این شوک، می‌توان به انزوای شدید در نظام بانکی و مالی اشاره کرد که به نوبه خود، اختلالات جدی در مبادلات تجاری، حتی در سطح منطقه‌ای را به همراه خواهد داشت. هم‌زمان، انتظار می‌رود صادرات نفت خام و محصولات پتروشیمی، به دلیل افزایش چشمگیر هزینه‌های جانبی نظیر بیمه و حمل‌ونقل، با کاهش‌ی شدید مواجه شده و در نتیجه، درآمدهای ارزی کشور را به شکل قابل توجهی کاهش دهد؛ افقی که سوابق تاریخی، پتانسیل آن را فراتر از ۵۰ درصد نشان می‌دهد. این مجموعه فشارها، با ایجاد یک شوک روانی گسترده، منجر به تشدید انتظارات تورمی و به تبع آن، تنزل شدید ارزش پول

قطعنامه	سال تصویب	محور های اصلی تحریم
۱۶۹۶	۲۰۰۶	الزام ایران به تعلیق تمامی فعالیتهای مرتبط با غنی‌سازی و باز فرآوری اورانیوم
۱۷۳۷	۲۰۰۶	مسدودکردن داراییهای افراد و نهادهای درگیر در برنامه هسته‌ای و موشکی ایران
۱۷۴۷	۲۰۰۷	اعمال تحریم تسلیحاتی (ممنوعیت صادرات سلاح از ایران) و محدودیت بر وام‌های بین‌المللی
۱۸۰۳	۲۰۰۸	گسترش ممنوعیت سفر و مسدودسازی دارایی‌ها؛ الزام به بازرسی محموله‌های مشکوک به ایران
۱۸۳۵	۲۰۰۸	تأکید مجدد بر اجرای کامل قطعنامه‌های پیشین بدون افزودن تحریم جدید
۱۹۲۹	۲۰۱۰	شدیدترین قطعنامه: ممنوعیت فروش تسلیحات سنگین به ایران، تحریم بانکی گسترده و ممنوعیت فعالیت‌های مرتبط با موشک‌های بالستیک

بیژن عبدالکریمی، استاد فلسفه در اظهارنظری گفته است مردم دروغ می‌گویند وقتی از تنگنای معیشتی سخن می‌گویند، چرا که او مشاهده کرده مردم خریدهایشان در تهرابر را با چهار دست حمل می‌کنند (البته آدمی‌زاد دو دست بیشتر ندارد!)، در پارک‌ها بوی کیاب بلند است و به محض چند روز تعطیلی راهی شمال می‌شوند. این نوع برداشت آن هم از سسوی یک استاد دانشگاه، علاوه بر بی‌اعتنایی و انکار احساسات عمومی جامعه نسبت به وضعیت دردناک اقتصادی و معیشتی مردم، از منظر متدلوژی علمی نیز واجد اشکال و خطای اساسی است.

لئونارد لودر (رئیس شرکت استی لادر) در اوایل دهه ۲۰۰۰ پدیده‌ای به نام اثر رژ لب (Lipstick Effect) را در اقتصاد رفتاری شبرخ داد. او مشاهده کرده بود که در دوره‌های رکود اقتصادی، فروش رژ لب و کالاهای آرایشی کوچک افزایش می‌یابد؛ زیرا زنان به دلیل ناتوانی در خرید کالاهای لوکس و گران‌قیمت، به سراغ کالاهای ارزان‌تر اما شادابی‌بخش می‌روند (نیویورکتایمز، ۲۰۰۱). پژوهش‌های بعدی در اقتصاد رفتاری (مانند هیل، رودفر، گریسکوینوس، دورانت و وایت در مجله شخصیت و روان‌شناسی اجتماعی، ۲۰۱۲) نیز این پدیده را تأیید کردند و نشان دادند که در شرایط دشوار اقتصادی، مردم به‌جای کالاهای سرمایه‌ای یا هزینه‌های بزرگ (مثل خرید خانه یا خودرو)، به مصرف کالاهای و تجربه‌های کوچک و کم‌هزینه‌تر روی می‌آورند. بنابراین این شواهد ظاهری نه نشانه رونق اقتصادی و رفاه اجتماعی، بلکه دقیقاً نشانه بحران و ناتوانی در رفع نیازهای بنیادین‌اند و مردم ناگزیر، لذت‌های کوچک را با نیازهای بزرگ، جای‌گزین می‌کنند.

از سوی دیگر سخنان عبدالکریمی دارای خطای روش‌شناختی است؛ به‌نحوی که مشاهده فدری را بدون اتکا به متدلوژی علمی و سنجش میدانی، به طرز عجیب و حیرت‌انگیز به



امیرضا زنگنه

تحلیلی بر امواج شوک از تهران تا پکن و مسکو

ملی خواهد شد، به طوری که برآوردهای حاصل از مدل‌سازی‌های اقتصادسنجی حاکی از آن است که نرخ تورم سالانه از مرز ۷۵ درصد عبور کرده و نرخ برابری ارز به بیش از یک میلیون و ۳۵۰ هزار ریال به‌ازای هر دلار آمریکا افزایش خواهد یافت (گزارش اتاق بازرگانی ایران، تابست‌ان ۱۴۰۴). در نهایت پیش‌بینی می‌شود که موانع جدی در مسیر واردات تجهیزات و انتقال فناوری، به توقف پروژه‌های صنعتی و زیرساختی و افزایش نرخ ییکاری به سطحی فراتر از ۱۴ درصد منجر شود. این پیامدهای فلج‌کننده، ریشه در احیای شش قطع‌نامه اصلی تحریمی شورای امنیت دارد که پیش از توافق برجام علیه ایران وضع شده بودند و در جدول زیر خلاصه شده‌اند. پس‌لرزه‌های این زلزله اقتصادی، به‌سرعت از مرزهای ایران عبور کرده و دیوارهای آتشین منطقه‌ای را در هم خواهد شکست. اولین قربانیان، شرکای تجاری همسایه -عراق، امارات، ترکیه و افغانستان- خواهند بود که شریان‌های اقتصادی‌شان با ایران، تحت تهدید تحریم‌های ثانویه مسدود می‌شود. این امر نه‌تنها ریسک سرمایه‌گذاری در کل خاورمیانه را به سطحی بحرانی می‌رساند و هزینه بیمه و حمل‌ونقل در خلیج فارس را

قطعنامه‌های کلیدی شورای امنیت علیه ایران (قابل بازگشت با مکانیسم ماشه)		
سال تصویب	محور های اصلی تحریم	
۱۶۹۶	۲۰۰۶	الزام ایران به تعلیق تمامی فعالیتهای مرتبط با غنی‌سازی و باز فرآوری اورانیوم
۱۷۳۷	۲۰۰۶	مسدودکردن داراییهای افراد و نهادهای درگیر در برنامه هسته‌ای و موشکی ایران
۱۷۴۷	۲۰۰۷	اعمال تحریم تسلیحاتی (ممنوعیت صادرات سلاح از ایران) و محدودیت بر وام‌های بین‌المللی
۱۸۰۳	۲۰۰۸	گسترش ممنوعیت سفر و مسدودسازی دارایی‌ها؛ الزام به بازرسی محموله‌های مشکوک به ایران
۱۸۳۵	۲۰۰۸	تأکید مجدد بر اجرای کامل قطعنامه‌های پیشین بدون افزودن تحریم جدید
۱۹۲۹	۲۰۱۰	شدیدترین قطعنامه: ممنوعیت فروش تسلیحات سنگین به ایران، تحریم بانکی گسترده و ممنوعیت فعالیت‌های مرتبط با موشک‌های بالستیک

مردم، شادی‌های کوچک و خطای دید نخبگان

مایکین جهانی و برخی کشورهای منطقه، تصویری واقعی‌تر و البته دردناک‌تر را نشان می‌دهد. براساس گزارش‌های رسانه‌ها به نقل از سازمان مربوط، سرانه مصرف گوشت در ایران نزدیک به چهار کیلوگرم در سال و حدود ۱۰ گرم در روز اعلام شده است (روزنامه اعتماد، ۲۳ اردیبهشت ۱۴۰۴).

۱۰ سال پیش، سرانه مصرف گوشت قرمز در ایران حدود ۱۳ کیلوگرم بوده که کاهش‌ی سه‌برابری را در یک دهه نشان می‌دهد. تحریم‌های ظالمانه و در نتیجه کاهش واردات و تولید، کمبود محصول و افزایش قیمت گوشت قرمز، کاهش توان خرید خانوارها به دلیل تورم و اولویت‌دادن به پروتئین‌های ارزان‌تر یا جایگزین‌های غیرگوشتی عوامل اصلی این کاهش‌اند.

این در حالی است که میانگین جهانی سرانه مصرف گوشت، بیش از ۴۰ کیلوگرم و ۱۰ برابر ایران است و سرانه مصرف گوشت در برخی کشورهای منطقه مانند کویت حدود ۷۰ کیلوگرم، عربستان ۵۴ کیلوگرم، لبنان ۱۸ کیلوگرم و حتی در کشوری مانند جیبوتی ۱۵ کیلوگرم است که حدود چهار برابر سرانه ایران است و این فاجعه‌ای تمام‌عیار با آثاری جبران‌ناپذیر مانند کاهش میانگین قد، کاهش ضرب قلبی، نرخ بالای بیماری و افزایش ویرانگر هزینه‌های سلامت و… در آینده خواهدبود.

اگر نخبگان و استادان دانشگاه به‌جای تکیه بر مشاهده‌های شخصی و شهودی، به داده‌ها و نظریه‌های علمی توجه کنند، خواهند دید بوی کیاب در پارک‌ها (البته اگر عام و واقعی باشد!) نه نشانه رفاه، بلکه پژواک فشاری است که امکان خرید خانه، ازدواج و آینده مطمئن را از مردم گرفته است. اثر رژ لب دقیقاً به ما می‌گوید: وقتی دیدید مردم در بحران اقتصادی لبخندهای کوچک می‌خرند، مطمئن باشید نیازهای بزرگ‌شان دست‌نیافتنی شده است.

بتهوون همان مولوی است

واهل موسیقی سنت‌ها و آداب محلی و ملی را به‌خوبی رعایت می‌کنند و این‌گونه موسیقی ملی شکل گرفت. در جریان حرکت انحرافی پیشروی در آذربایجان که گوشه‌اند می‌گویند با حمایت بیگانه قسمتی از ایران را جدا کنند، موسیقی نقشی اساسی در به نیست رساندن برنامه‌های دشمنان ایران داشت؛ ازجمله سرود و حتی آهنگ «ای ایران» که رمزی بین گروه‌های کوچک معترض و مقاوم دانش‌آموزی بود؛ روزهایی که ماجراجویی‌های بیگانگان به شکست نزدیک می‌شد، در میدان شهرداری همه با هم این سرود را اجرا می‌کردند؛ همچنان که در نبره‌های ۱۳۰۲ره اخیر، هنرمندان با اشک چشم در خاموشی شهر در میدان آزادی چنین اجراهایی داشتند.

از ویژگی‌های موسیقی ایران همراه‌بودن آن با کلام و شعر است. در ۲۸ شهریور، روز درگذشت شهریار، روز شعر و ادب پارسی خردارای از تبریز و دوست هنرمند او مرحوم استاد ابوالحسن اقبال آذر نقل می‌کنیم، او در مصاحبه‌ای در اواخر عمر تعریف کرد که در کسترتی در تبریز زمانی که اعضای فرقه خائن دموکرات حاکم بودند، با اصرار مردم و خارج از برنامه، او غزل زیبای عارف قزوینی را با آواز خواند: لباس مرگ بر اندام عالمی زیباست؛ چه شد که گوته و زشت این قبا به قامت ماست

بیار باده که تا راه نیستی گیرم/ من آرموده‌ام آخر بقای من به فناست

تا به این بیت می‌رسد:

چه شد که مجلس شوری نمی‌کند معلوم/ که خانه، خانه غیبت است یا که خانه ماست

او می‌گوید در این بیت همه شنوندگان به گریه افتادند، زیرا معنای «خانه غیرو» و «خانه ما» در آن جمع معلوم بود. کسنسرت نتیجه عکس داد و فرمانده نظامی حکومت پیشه‌ووری به تلخی به او اعتراض کرد و فردای آن روز از کار برکنار و اخراج شد.

فرقه دموکرات دو اعتراض مشخص داشت: یکی به فارسی‌خواندن و دیگری انتخاب شعری که مردم را به گریه انداخت.

استاد پاسخ داد: من برای ملت ایران می‌خوانم.

روز شهیار و شعر و ادب پارسی مبارک باد.

پیامدهای مکانیسم ماشه بر منطقه

خبر

هلدینگ خلیج فارس بر سکوی دوازدهم جهان ایستاد



در تازه‌ترین رتبه‌بندی معتبر بین‌المللی، شرکت صنایع پتروشیمی خلیج فارس با شش پله صعود توانست جایگاه دوازدهم جهانی را کسب کند. براساس جدیدترین ارزیابی ICIS (معتبرترین مرجع بین‌المللی در صنعت پتروشیمی) که برای سال ۲۰۲۵ منتشر شده است، شرکت صنایع پتروشیمی خلیج فارس با ارتقای شاخص‌های عملکردی خود از قبیل فروش، سودآوری و سرمایه‌گذاری توانست از رتبه هجدهم به جایگاه دوازدهم جهانی صعود کند.

انتظار می‌رود این موفقیت که برای اولین بار در تاریخ صنعت پتروشیمی ایران به نام هلدینگ خلیج فارس ثبت شد، فصل جدیدی را در عرصه جذب سرمایه‌گذاری، گشودن فرصت‌های جدید تولید و توسعه شرکت صنایع پتروشیمی خلیج فارس ایجاد کند. این شرکت در حال حاضر جایگاه دوم را میان شرکت‌های پتروشیمی خاورمیانه داراست و در عرصه اقتصادی ایران ضمن داشتن جایگاه اول بازار سرمایه، به عنوان سودآورترین شرکت و منبع اصلی تأمین منابع ارزی کشور در دوران تحریم شناخته می‌شود. در پی کسب این موفقیت، محمد شریعتمداری، مدیرعامل شرکت صنایع پتروشیمی خلیج فارس، ضمن تبریک به خانواده ااین مجموعه بزرگ، در پیامی نوشت: این موفقیت ارزشمند، حاصل درایت مدیران، تلاش بی‌وقفه کارکنان، همت متخصصان و اعتماد سهامداران بوده و نشان داد که این شرکت توانسته با بهره‌گیری از توانوری، توسعه زنجیره ارزش، مدیریت علمی و تکیه بر سرمایه انسانی توانمند، جایگاه خود را در عرصه جهانی ارتقا دهد. او تصریح کرد: یقین دارم با ادامه این مسیر روشن و آینده‌نگر، دستیابی به جایگاه‌های برتر جهانی در افق پیش‌رو دور از دسترس نخواهد بود.

یادداشت

خاورمیانه؛ دیپلماسی سایه‌روشن اروپا



محموداشرفی

خاورمیانه گستره کشمکش‌های نظامی و دیپلماسی‌های کش‌دار است، آمریکا همواره حضوری آشکار در این سرزمین پراشتوب داشته است، اما اروپا در تلاش برای پیش‌گرفتن دیپلماسی محافظه‌کارانه در قبال خاورمیانه است. تمایلات و گرایش‌های قاره‌ای در اروپا مانع از شکل‌گیری سیاست‌های فراقاره‌ای در اروپا می‌شود. تهدیدات امنیتی و بیرونی از سیاست‌های ایالات متحده آمریکا مهم‌ترین عواملی بوده که نقش اروپا را در خاورمیانه پررنگ می‌کند. اما تجربه‌های اخیر نشان‌دهنده عدم استمرار سیاست‌های ژرف و تعیین‌کننده اروپا در خاورمیانه است، این امر می‌تواند ناشی از نبود یکپارچگی سیاسی کشورهای اعضای اتحادیه اروپا باشد. سیاست و گرایش قاره‌ای اروپا اثرات یکسان بر اعضای اتحادیه اروپا نداشته است.

به طوری که گرایش فراقاره‌ای کشورهای اروپا متفاوت است. فرانسه پس از فروپاشی حکومت عثمانی وارث استان پنهان سوریه شد و آن را به دو کشور دست‌نشانده خود یعنی سوریه و لبنان تقسیم کرد. این سابقه تاریخی بر سیاست‌های فراقاره‌ای فرانسه در قبال خاورمیانه بسیار تأثیرگذار است. انگلیس پس از فروپاشی دولت عثمانی بر سرزمین‌های پایین‌دست رود اردن و عراق چیرگی یافت. دراین‌میان به طور مثال کشور آلمان چنین تجربه‌های تاریخی در خاورمیانه ندارد. تفاوت‌های تجربه‌های تاریخی و منافع گوناگون کشورهای اروپایی در خاورمیانه مانع شکل‌گیری یک سیاست هماهنگ در اروپا می‌شود. این دوگانگی‌های سیاست‌های اروپایی را در خاورمیانه به گذرگاه سایه‌روشن دیپلماسی می‌کشاند.

بدین‌گونه دیپلماسی اروپا در خاورمیانه گاه پررنگ و ناگهان سایه‌وار می‌شود. در تازه‌ترین رتبه‌بندی معتبر بین‌المللی، شرکت صنایع پتروشیمی خلیج فارس با شش پله صعود توانست جایگاه دوازدهم جهانی را کسب کند. براساس جدیدترین ارزیابی ICIS (معتبرترین مرجع بین‌المللی در صنعت پتروشیمی) که برای سال ۲۰۲۵ منتشر شده است، شرکت صنایع پتروشیمی خلیج فارس با ارتقای شاخص‌های عملکردی خود از قبیل فروش، سودآوری و سرمایه‌گذاری توانست از رتبه هجدهم به جایگاه دوازدهم جهانی صعود کند.

انتظار می‌رود این موفقیت که برای اولین بار در تاریخ صنعت پتروشیمی ایران به نام هلدینگ خلیج فارس ثبت شد، فصل جدیدی را در عرصه جذب سرمایه‌گذاری، گشودن فرصت‌های جدید تولید و توسعه شرکت صنایع پتروشیمی خلیج فارس ایجاد کند. این شرکت در حال حاضر جایگاه دوم را میان شرکت‌های پتروشیمی خاورمیانه داراست و در عرصه اقتصادی ایران ضمن داشتن جایگاه اول بازار سرمایه، به عنوان سودآورترین شرکت و منبع اصلی تأمین منابع ارزی کشور در دوران تحریم شناخته می‌شود. در پی کسب این موفقیت، محمد شریعتمداری، مدیرعامل شرکت صنایع پتروشیمی خلیج فارس، ضمن تبریک به خانواده ااین مجموعه بزرگ، در پیامی نوشت: این موفقیت ارزشمند، حاصل درایت مدیران، تلاش بی‌وقفه کارکنان، همت متخصصان و اعتماد سهامداران بوده و نشان داد که این شرکت توانسته با بهره‌گیری از توانوری، توسعه زنجیره ارزش، مدیریت علمی و تکیه بر سرمایه انسانی توانمند، جایگاه خود را در عرصه جهانی ارتقا دهد. او تصریح کرد: یقین دارم با ادامه این مسیر روشن و آینده‌نگر، دستیابی به جایگاه‌های برتر جهانی در افق پیش‌رو دور از دسترس نخواهد بود.